

## رابطه بین الگوهای دلبستگی و سبک‌های والدگری مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی

الهام فرهنگی<sup>۱</sup>، مرضیه منیدری<sup>۲</sup>، مهری ییاسی<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول: [elhamfarhangi7@gmail.com](mailto:elhamfarhangi7@gmail.com))

۲. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. ([marziyemanidari631@gmail.com](mailto:marziyemanidari631@gmail.com))

۳. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. ([mehrielyasi73@gmail.com](mailto:mehrielyasi73@gmail.com))

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین الگوهای دلبستگی و سبک‌های والدگری مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی انجام شده است. طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه کودکان ۶ ساله شهر دامغان و مادران آن‌ها در سال ۱۴۰۱ بودند. ۱۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر شامل مقیاس الگوهای دلبستگی (کالینز و رید، ۱۹۹۶)، پرسشنامه سبک‌های والدگری (بامریند، ۱۹۶۷) و خرده مقیاس پرخاشگری فهرست رفتاری کودک (آخنباخ، ۲۰۰۱) بود. سپس، داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS.۷21 و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، ارتباط معناداری بین الگوهای دلبستگی و سبک‌های والدگری با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد متغیرهای الگوهای دلبستگی و سبک‌های والدگری تغییرات پرخاشگری کودکان پیش دبستانی را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش، الگوهای دلبستگی و سبک‌های والدگری مادران نقش مهمی در پرخاشگری کودکان پیش دبستانی دارند. بنابراین، با طراحی مداخلات روان‌شناختی بر اساس این متغیرها می‌توان پرخاشگری را در کودکان پیش دبستانی بهبود بخشید. مضامین نظری و کاربردی نتایج ارائه شده در پژوهش حاضر مورد بحث قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** پرخاشگری، الگوهای دلبستگی، سبک‌های والدگری، مادران، کودکان پیش دبستانی.

### ۱- مقدمه

رفتار پرخاشگری مسئله‌ای مهم و متداول در حوزه روان‌پزشکی کودک است (ماسود<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). از دیدگاه تحولی، از آنجا که پرخاشگری دوره کودکی تا دوره بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند و موجب پیامدهای طولانی‌مدتی همچون عملکردهای روان‌شناختی ضعیف می‌شود، از اهمیت فراوانی برخوردار است (ورهوئف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). پرخاشگری رفتاری است که با نیت جراحت، صدمه یا آسیب رساندن به دیگران تعریف می‌شود و به عنوان مسئله جدی در حوزه سلامت روان در فرهنگ‌های غربی و شرقی در نظر گرفته می‌شود (گاتمن و فالکنر<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که رفتار پرخاشگری می‌تواند عواقب نامطلوبی همچون سلامت جسمانی و روان‌شناختی ضعیف، نقص در رشد اجتماعی و ارتکاب جرم در بزرگسالی را به همراه داشته باشد (اوبری<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). به طور خاص، پرخاشگری مشکلات متعددی همچون بزهکاری، مشکلات زناشویی، افسردگی، سوءمصرف مواد، مشکلات شدید در روابط همسالان، عملکرد تحصیلی و مسائل شغلی را به وجود می‌آورد (خان<sup>۵</sup>، ۲۰۲۲). به همین دلیل، شناسایی و مدیریت رفتار پرخاشگری چالش بالینی قابل‌ملاحظه‌ای را ایجاد کرده است و در نتیجه، شناسایی عوامل مرتبط می‌تواند راهگشای درمانگران و برنامه‌ریزی مداخلات درمانی باشد (لوئیس<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲). در همین راستا، بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد محیط خانوادگی می‌تواند نقش مهمی در رشد رفتار پرخاشگری در کودکان داشته باشد (ون‌گلدن<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). مطالعات زیادی برای بررسی تأثیر سبک‌های والدگری بر پیامدهای متعدد در کودکان انجام شده است و اکثر این مطالعات تیپ‌شناسی بامریند<sup>۸</sup> در زمینه والدگری را مورد بررسی قرار داده‌اند (پرز-

1. Masud, H

2. Verhoef, R. E

3. Guthman, E. M., & Falkner, A. L

4. Aubry, A. V

5. Khan, U

6. Lewis, R. J

7. van Gelder, J. L

8. Baumrind

گراماجی<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). نقص در والدگری باعث بروز مشکلات برونی سازی در کودکان می شود و ممکن است تسهیل کننده رفتار خصمانه باشد (گارسیا<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). والدگری فعالیت پیچیده ای است که شامل روش ها و رفتارهای ویژه ای است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر در رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع، پایه و اساس شیوه والدگری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می سازد که روش مؤثر را از روش های نه چندان مؤثر والدگری جدا می سازد که این سه ویژگی پذیرش و روابط نزدیک، کنترل و استقلال دادن را شامل شود. او از تعامل این ویژگی ها سه سبک والدگری مقتدرانه، مستبدانه و سهل انگارانه را به وجود آورده است (علم الهدی و میری، ۱۳۹۵).

در ادبیات پژوهشی نقش الگوی های والدگری در پرخاشگری کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. جیا، وانگ، شی و لی (۲۰۱۶) در پژوهشی با هدف بررسی عوامل خانوادگی مرتبط با رفتار پرخاشگری در کودکان پیش دبستانی به این نتیجه رسیدند که کودکانی که در محیط دارای تعارض خانوادگی بزرگ می شوند، پرخاشگری بیش تری را تجربه می کنند. گائو، ژانگ، فانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی با هدف بررسی نقش الگوی های والدگری در پرخاشگری واکنشی و فعال کودکان و نوجوانان هنگ کنگی دریافتند صمیمت پایین و انتظارات بالا با پرخاشگری واکنشی گزارش شده از سوی والدین مرتبط است. از سوی دیگر، دلبستگی سازه ای است که به نظر می رسد روابط نزدیکی با پرخاشگری داشته باشد (گالارین و آسواربیول<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۱). الگوهای دلبستگی به عنوان الگوهای نسبتاً پایدار تفکر، احساس و رفتار در روابط نزدیک تعریف می شود (جونز و کاسیدی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۴). نظریه دلبستگی را بی شک بایستی یکی از برجسته ترین دستاوردهای روان شناسی معاصر به حساب آورد. بالبی<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۰) معتقد بود که نظریه دلبستگی فقط نظریه تحول کودک نیست بلکه نظریه تحول گستره حیات نیز هست؛ یعنی الگوهای دلبستگی ایجاد شده در دوران کودکی اعم از دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن اجتنابی و دلبستگی نایمن دوسوگرا تداوم نسبی خود را تا بزرگسالی ادامه می دهند، همچنان به مراحل بعدی زندگی تداوم می یابد و زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. به دنبال پژوهش های بالبی و اینسورث<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۷) الگوهای دلبستگی را به دو الگوی دلبستگی ایمن و الگوی دلبستگی نایمن طبقه بندی کرد که الگوی نایمن شامل الگوی دلبستگی نایمن دوسوگرا و الگوی دلبستگی نایمن اجتنابی است. افراد با پرورش الگوی دلبستگی نایمن، شخصیتی بی عاطفه خواهند داشت که مشخصه آن کناره جویی هیجانی، فقدان احساس، ناتوانی در برقراری روابط محبت آمیز و عاطفی با دیگران است (برانی<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۳). مادران با الگوی دلبستگی نایمن در تعامل با فرزندان خود، کم تر از مادران دلبسته ایمن، گرم، حمایت کننده و حساس هستند و در حل مسائل به کودکان خود کمک کم تری می کنند. همچنین این مادران در رفتارهای مادرانه و والدگری خود، ویژگی هایی همچون درگیر شدن کم، منفی گرایی، فقدان پاسخ گویی به علائم فرستاده شده از سوی کودک و وارد شدن به حریم کودک را دارند. لذا این کودکان دید منفی از خود و دیگران داشته و نیز دنیا را محلی ناامن می دانند (دیتزن<sup>۱۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به آنچه گفته شد به نظر می رسد شیوه های والدگری و الگوهای دلبستگی مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی همبسته باشد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شیوه های والدگری و الگوهای دلبستگی مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی انجام شد.

## ۲- روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده ها، توصیفی از نوع همبستگی است. در پژوهش حاضر، الگوهای دلبستگی و شیوه های والدگری مادران به عنوان متغیر پیش بین و پرخاشگری کودکان پیش دبستانی متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه کودکان ۶ ساله شهر ساری و مادران آن ها در سال ۱۴۰۱ بود. به منظور برآورد حجم نمونه از فرمول پیشنهادی تاباچنیک و فیدل<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۷) استفاده شد. بر اساس فرمول پیشنهادی آنان، حداقل حجم نمونه مورد نیاز در مطالعات همبستگی از فرمول  $N \geq 50 + 8M$  محاسبه می شود. در این فرمول،  $N$  حجم نمونه و  $M$  تعداد متغیرهای پیش بین است. با توجه تعداد متغیرهای پیش بین این پژوهش که شش متغیر است، حجم نمونه ۹۸ نفر برآورد شد. با احتمال تکمیل ناقص برخی از پرسشنامه ها، جهت جلوگیری از افت تعداد نمونه لازم، ۲۰ درصد به حجم نمونه افزوده و در نهایت ۱۲۰ پرسشنامه در گروه نمونه پژوهش توزیع گردید. اعضای گروه نمونه پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. به این منظور، ابتدا شهر دامغان

۹ . Perez-Gramaje, A. F

۱۰ . Garcia, O. F

۱۱ . Gallarin & Alonso-Arbiol

۱۲ . Jones, & Cassidy

۱۳ . Bowlby

۱۴ . Ainsworth

۱۵ . Borhani

۱۶ . Ditzen, B

۱۷ : Tabakhnick & Fidell

به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شده و در نهایت، دو مرکز پیش دبستانی از هر منطقه به تصادف انتخاب خواهد شد. بر اساس جمعیت تحت پوشش هر مرکز، سهمی به هر مرکز اختصاص یافت و بعد از توضیحات مورد نیاز در مورد اهداف پژوهش برای مادران (تا حدی که سوگیری ایجاد نشود) و اخذ رضایت آگاهانه، پژوهش حاضر به صورت در دسترس بر روی مادران اجرا شد. عدم بیماری جسمانی و روانی و عدم وابستگی به مواد اعتیادآور، به عنوان معیار ورود مادران به پژوهش در نظر گرفته شدند. در نهایت، بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش ۱۱۷ پرسشنامه مورد بررسی نهایی قرار گرفتند. جهت انجام مطالعه میدانی، در فصل زمستان سال ۱۴۰۱، پرسشنامه‌های پژوهش شامل پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال کالینز و رید (RAAS)، پرسشنامه شیوه‌های والدگری بامریند (۱۹۷۶) و خرده مقیاس پرخاشگری فهرست رفتاری کودک (CBCL) به مدت دو هفته در بین نمونه آماری پژوهش توزیع شد.

**مقیاس سبک‌های دلبستگی (۱۹۹۶):** این مقیاس، ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز و رید<sup>۱۸</sup> تهیه و در سال ۱۹۹۶ بازنگری شد. مقیاس دلبستگی بزرگسالان، چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را بررسی می‌کند. مقیاس یاد شده، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این آزمون در قالب سه زیر مقیاس (وابستگی، نزدیکی، اضطراب) شکل گرفته است که به هر یک از زیر مقیاس‌ها، شش عبارت اختصاص یافته است و برای به دست آوردن نمرات مربوط به هر زیر مقیاس، امتیاز عبارات مربوط به آن‌ها را با هم جمع کرده و بر تعداد عبارت (شش) تقسیم می‌کنیم. سپس آزمودنی‌ها بر اساس نمره کسب شده به سه سبک (ایمن، نایمن اجتنابی، تنایمن اضطرابی/دوسوگرا) طبقه‌بندی می‌شوند. ضریب پایایی باز آزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۶۸ و ۰/۵۲ گزارش شده است. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون-باز آزمون به صورت همبستگی انجام گرفته است و نتایج آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است (نادری و همکاران، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی همسانی درونی آیت‌های پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۶۸ و ۰/۶۵ محاسبه شد.

**پرسشنامه شیوه‌های والدگری بامریند (۱۹۶۷):** این ابزار، اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۶۷) از سه الگوی سهل‌انگارانه، مستبدانه و مقتدرانه جهت بررسی الگوی نفوذ و شیوه‌های والدگری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که ۱۰ گویه آن به شیوه سهل‌انگارانه، ۱۰ گویه آن به شیوه مستبدانه و ۱۰ گویه دیگر به شیوه مقتدرانه درباره پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسشنامه آزمودنی‌ها نظر خود را در رابطه با هر گویه بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای مشخص می‌کنند که از صفر تا چهار (کاملاً مخالفم = صفر تا کاملاً موافقم = چهار) نمره‌گذاری می‌شود و با جمع نمره‌ها، سه نمره مجزا در روش‌های سهل‌انگارانه، مستبدانه و مقتدرانه برای هر آزمودنی به دست می‌آید. اسفندیاری (۱۳۷۴) قابلیت اعتماد به روش باز آزمایی این پرسشنامه را برای خرده مقیاس روش سهل‌انگارانه ۰/۶۹، برای خرده مقیاس روش مستبدانه ۰/۷۷ و برای خرده مقیاس روش مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است. به گزارش بوری<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۱) میزان ضریب قابلیت اعتماد این پرسشنامه به روش باز آزمایی ۰/۸۱ برای روش سهل‌انگارانه، ۰/۸۵ برای روش مستبدانه و ۰/۹۲ برای روش مقتدرانه بوده است. همچنین، ضرایب همبستگی بین روش مستبدانه با روش سهل‌انگارانه ۰/۵۰- و با روش مقتدرانه ۰/۵۲- به دست آمد (به نقل از شکوهی یکتا، اکبری زردخانه، پرنده، محمودی و مشروطی، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ پرسشنامه برای سبک اقتدار، استبدادی و آسان گیر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۹ و ۰/۷۳ به دست آمد. **خرده مقیاس پرخاشگری فهرست رفتاری کودک (۲۰۰۱):** با توجه به متغیر وابسته پژوهش حاضر، به منظور غربالگری رفتارهای پرخاشگری از ابزار فهرست رفتاری کودک (CBCL) استفاده خواهد شد. این پرسشنامه توسط آخنباخ<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۱) طراحی شد. فرم‌های موازی نظام سنجشی مبتنی بر تجربه آخنباخ (۲۰۰۱) برای ارزیابی شایستگی‌ها، کنش یا کارکرد انطباقی و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان معرفی شده است. این فهرست، دارای ۱۱۳ سؤال است که با توجه به سؤال‌های باز پاسخ و چند قسمتی به ۱۲۰ سؤال افزایش می‌یابد و از سوی والدین یا فردی که سرپرستی کودک را به عهده دارد و از او مراقبت می‌کند، بر اساس وضعیت کودک در شش ماه گذشته تکمیل می‌شود. مقیاس رفتارهای پرخاشگرانه مربوط به مشکلات برونی‌سازی شده که در این پژوهش از آن به منظور غربالگری استفاده شده است، شامل ۱۸ سؤال است. سؤال‌های مربوط به مشکلات عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودک در این فرم به صورت نادرست = صفر، تا حدی یا گاهی درست = یک و کاملاً یا غالباً درست = دو نمره‌گذاری می‌شود. با توجه به جدول هنجار ایرانی ارائه شده از سوی مینایی (۱۳۸۴)، نمره‌های خام ۱۴ و بالاتر برای دختران و بالاتر از ۱۳ برای پسران ملاک وجود رفتارهای پرخاشگرانه در دامنه بالینی خواهد بود. در این پژوهش همسانی درونی آیت‌های پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

<sup>18</sup> : Collins & Read

<sup>1</sup> . Bouri

<sup>2</sup> . Achenbach

این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها و پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. با توجه به اینکه در مورد ترتیب اثرگذاری متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک مدل نظری قاطعی وجود ندارد برای پاسخ‌گویی به این سؤال که از بین متغیرهای مستقل مذکور، کدام‌یک بهترین پیش‌بینی کننده متغیر وابسته است، از شیوه تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

**۳- یافته‌ها**

در این مطالعه ۱۱۷ نفر از مادران شرکت داشتند که میانگین (انحراف استاندارد) سن آن‌ها ۳۱/۵۶ (۵/۰۵) محاسبه شد. بر این اساس، بیشترین و کمترین سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۲۳ و ۴۱ سال بود. اکثر افراد مورد پژوهش معادل ۳۵/۹ درصد (۴۲ نفر) بین ۲۹ تا ۳۵ سال سن داشتند. همچنین، جنسیت ۵۳/۸ درصد فرزندان، پسر و ۴۶/۲ درصد دیگر دختر بود. بنابراین، به لحاظ جنسیت، فرزند اکثر مادران مورد مطالعه پسر بودند. تحصیلات اکثر مادران معادل ۵۴/۷ درصد (۶۴ نفر) دیپلم بود. علاوه بر این، تحصیلات ۲۷/۴ درصد (۳۲ نفر) زیر دیپلم و ۱۷/۹ درصد (۲۱ نفر) دانشگاهی گزارش شده بود. با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، میزان همبستگی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های والدگری (متغیرهای پیش‌بین) مادران با پرخاشگری (متغیر ملاک) کودکان پیش‌دبستانی آزمون شد. پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام به گام پیش از تحلیل مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شدند. برای بررسی وجود همبستگی بین دلبستگی ایمن مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی، با توجه به برآورده شدن پیش‌فرض‌های آزمون پارامتری، از آزمون ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شده است.

**جدول ۱: ماتریس همبستگی الگوهای دلبستگی مادران با پرخاشگری کودکان**

	۴	۳	۲	۱	متغیر	
۱				۱	دلبستگی ایمن	
۲			۱	-۰/۲۶۴**	دلبستگی نایمن اجتنابی	
۳		۱	۰/۲۶۴**	-۰/۴۱۵**	دلبستگی نایمن دوسوگرا	
۴	۱	-۰/۱۹۹**	۰/۱۸۷**	-۰/۲۳۰**	پرخاشگری	

$P < ۰/۰۵^* P < ۰/۰۱^{**}$

نتایج نشان می‌دهد بین الگوهای دلبستگی مادران با پرخاشگری کودکان رابطه همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر این، بین دلبستگی نایمن اجتنابی و دلبستگی نایمن دوسوگرا مادران با پرخاشگری کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزون بر این، برای بررسی وجود همبستگی بین سبک‌های والدگری مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی، با توجه به برآورده شدن پیش‌فرض‌های آزمون پارامتری، از آزمون ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان داد سبک والدگری مقتدرانه و سبک والدگری سهل‌گیرانه مادران با پرخاشگری کودکان همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. سبک همچنین، بین سبک والدگری مستبدانه مادران با پرخاشگری کودکان رابطه مثبت و معناداری وجود داشت.

**جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک‌های والدگری مادران با پرخاشگری کودکان**

	۴	۳	۲	۱	متغیر	
۱				۱	سبک والدگری مقتدرانه	
۲			۱	-۰/۳۲۱**	سبک والدگری مستبدانه	
۳		۱	-۰/۳۷۵**	-۰/۲۱۹**	سبک والدگری سهل‌گیرانه	
۴	۱	-۰/۱۸۴**	۰/۲۳۸**	-۰/۲۵۱**	پرخاشگری	

$P < ۰/۰۵^* P < ۰/۰۱^{**}$

برای بررسی روابط چندگانه سبک دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی، با توجه به برآورده شدن پیش‌فرض‌های آزمون پارامتری، از آزمون تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است. در گام اول، اولین متغیری که وارد معادله شد و باقی ماند، دلبستگی ایمن بود که به معنی بیش‌ترین تأثیر متغیر مزبور نسبت به سایر متغیرهای پیش‌بین است. در این گام، ضریب همبستگی برابر  $R = ۰/۲۳۰$  و ضریب تعیین برابر  $R^2 = ۰/۰۵۳$  محاسبه شد. از طرف دیگر، مقدار F حاصل از تجزیه و تحلیل واریانس ۶/۴۳ است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد

$(\alpha=0.01)$ ، معنادار است زیرا  $(P=0.013 < \alpha=0.01)$ ، به طوری که با مشاهده ضریب تعیین به دست آمده در این گام می توان اظهار کرد که حدود ۵ درصد از تغییرات متغیر پرخاشگری کودکان پیش دبستانی ناشی از متغیر دل بستگی ایمن در مادران است. با توجه به نتایج جدول فوق، وجود سبک دل بستگی ایمن در مادران اهمیت بیش تری نسبت به دو سبک دیگر داراست و سهم بیش تری در تبیین تغییرات متغیر ملاک دارد.

جدول ۳: رگرسیون گام به گام سبک های دل بستگی در پیش بینی پرخاشگری کودکان پیش دبستانی

گام	متغیرهای پیش بین	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	F	Sig.
۱	(ثابت)	۱۹/۳	-	۰/۲۳۰	۰/۰۵۳	۶/۴۳	۰/۰۱۳
	دل بستگی ایمن	-۰/۳۹۵	۰/۲۳۰				

برای بررسی روابط چندگانه شیوه های والدگری مقتدرانه، مستبدانه و سهل انگارانه با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی، با توجه به برآورده شدن پیش فرض های آزمون پارامتری، از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است. تحلیل رگرسیون گام به گام معمولاً گام آخر مبنای تحلیل قرار می گیرد. در گام دوم، آخرین متغیری که وارد تحلیل شد متغیر پیش بین شیوه والدگری مستبدانه بود. ضریب همبستگی محاسبه شده در این گام ۰/۳۸۶ و ضریب تعیین ۰/۱۴۹ به دست آمد. میزان F به دست آمده نشان می دهد که مدل رگرسیونی محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. با توجه به ضریب تعیین می توان گفت ۰/۱۵ از تغییرات متغیر ملاک پرخاشگری کودکان پیش دبستانی به وسیله دو متغیر شیوه های والدگری مقتدرانه و مستبدانه تبیین می شود. با توجه به نتایج جدول فوق، شیوه والدگری مقتدرانه اهمیت بیش تری نسبت به متغیر دیگر داراست و سهم بیش تری در تبیین تغییرات متغیر ملاک دارد.

جدول ۴: رگرسیون گام به گام شیوه های والدگری در پیش بینی پرخاشگری کودکان پیش دبستانی

گام	متغیرهای پیش بین	B	$\beta$	R	R <sup>2</sup>	F	Sig.
۱	(ثابت)	۱۴/۴۱	-	۰/۲۵۱	۰/۰۶۳	۷/۷۴	۰/۰۰۶
	مقتدرانه	-۰/۲۱۴	-۰/۲۵۱				
۲	(ثابت)	۱۱/۶۷	-	۰/۳۸۶	۰/۱۴۹	۹/۹۵	۰/۰۰۰
	مقتدرانه	-۰/۲۶۳	-۰/۳۰۹				
	مستبدانه	۰/۲۹۱	۰/۲۹۸				

#### ۴- بحث درباره یافته ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین الگوهای دل بستگی و سبک های والدگری مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد ارتباط منفی معناداری بین سبک دل بستگی ایمن مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی وجود دارد. به دانش پژوهشگر، در ادبیات پژوهشی مطالعه مرتبطی در این زمینه انجام نشده است. در تبیین این رابطه می توان گفت مادران دل بسته ایمن که اعتماد به دیگران، احساس مورد علاقه بودن و رضایت از روابط اجتماعی را آموخته اند به احتمال کمتری فرزندان پرورش خواهند داد که دارای مشکلات عاطفی باشند. مادرانی که از سبک دل بستگی ایمن برخوردار نباشند سطوح بالایی از استرس و مشکلات هیجانی را تجربه می کنند، در مقابله با ایفای نقش والدینی ضعف نشان می دهند و در نتیجه در تربیت کودکان با مشکلاتی مواجه می شوند که افزایش اختلال های رفتاری را در کودک در پی خواهد داشت. در پژوهشی نشان داده شده شد والدین کودکان مبتلا به اختلال های رفتاری غالباً در برخورد های انضباطی، خشن و ناهماهنگ و ناتوان هستند و مهارت های هیجانی اندکی دارند. به همین دلیل، روابط متقابل والد - کودک در مرکز توجه آسیب شناسی کودک قرار گرفته است، زیرا تعامل های نامناسب می تواند در کودکان و نوجوانان اختلال های هیجانی و رفتاری ایجاد کند و بسیاری از استعدادهای فطری کودکان را از بین ببرند (کاپلان، کورتینا، راک، لویارد، نیکولایدز، ۲۰۱۴). به طور کلی، آزمون این فرضیه نشان داد هر چه مادران از سبک دل بستگی ایمن برخوردار باشند، به احتمال کمتری فرزندان پرخاشگر تربیت خواهند کرد. علاوه بر این، نتایج نشان داد سبک دل بستگی نایمن اجتنابی مادران با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی رابطه مثبت معناداری دارد. اگر چه پیشینه تجربی مرتبطی در این زمینه یافت نشده است؛ با این حال، در تبیین این یافته، ون و آگنر (۲۰۰۸) بر این باور است ناکامی

در شکل دادن دلبستگی مطمئن در ماه‌های اول زندگی، می‌تواند تأثیرات منفی بر روی رفتارهای دوره کودکی و نیز بزرگسالی داشته باشد. بالبی در تأکید بر اهمیت ارتباط مادر و کودک معتقد است که بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها و اختلال‌های شخصیت حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است. در پایان کودکی و اوایل نوجوانی نیز مادر چهره اصلی دلبستگی محسوب شده و کودکان در مواجهه با عوامل استرس‌زا و اضطراب به مادر پناه می‌برند. در واقع، شکست مادر در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ دهنده در سال اول زندگی مشکلات خلقی و رفتاری پایداری در کودک ایجاد می‌کند. هر شکافی در مبادله مادر - کودک ایجاد گردد، می‌تواند تأثیر منفی قاطعی بر تحول شخصیت کودک داشته باشد و در آینده به اختلالات کم و بیش مرضی منجر گردد (منصور و دادستان، ۱۳۹۱). علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان دهنده ارتباط مثبت بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا در مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی است. در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت وجود رابطه بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی بدان معناست که مادران با سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا به احتمال بیشتر، کودکان پرخاشگر تربیت می‌کنند. مادرانی که از لحاظ الگوی دلبستگی متعلق به طبقه ناایمن هستند، در مقایسه با مادران ایمن نسبت به کودکان خود بی‌توجه هستند. مادران ناایمن دوسوگرا که از سویی شدیداً مایل به برقراری ارتباط با دیگرانند و از سوی دیگر نیز به خاطر ترس از طرد شدن، از ادامه ارتباط طولانی مدت ناتوانند نیز با استفاده از این الگوی ارتباطی معیوب در برآوردن نیاز کودک و پاسخ گویی به موقع به کودک با دشواری‌های زیادی روبه‌رو هستند. این گروه به حالت افراط و تفریط، برخی از مواقع به میزان زیادی کودک را مورد توجه و محبت قرار می‌دهند و زمانی دیگر ضروری‌ترین نیازهای کودک را نیز نادیده می‌گیرند. چنین شیوه‌های ارتباطی خود به خود زمینه انتقال بی‌اعتمادی شکل گرفته در مادران را که موجب تثبیت دلبستگی ناایمن در ایشان شده به فرزندان آنان نیز فراهم می‌آورد.

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که والدگری مقتدرانه مادران ارتباط منفی معناداری با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی دارد. همسو با این یافته‌ها، عباسی، عسگری و مهرابی (۱۳۹۴)، نصیری و محمدزاده (۱۳۹۳)، جیا، وانگ، شی و لی (۲۰۱۶)، گائو، ژانگ، فانگ (۲۰۱۵) و جاودان (۱۳۹۳) به نتایج مشابهی دست یافتند. در شیوه والدگری مقتدرانه، والدین انعطاف‌پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود، برای آنان مقررات روشنی تعیین می‌کنند. در عین حال آن‌ها برای مقررات وضع شده دلایلی ارائه داده و غالباً در مورد خواسته‌هایشان با فرزندان استدلال می‌کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزندان خود حساس‌اند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق می‌کنند. والدین قدرتمند و باابهت سعی می‌کنند انضباط درونی، استقلال، اعتمادبه‌نفس، قدرت سازگاری، خلاقیت، احساس قوی درباره ارزش‌های موردقبول و تشخیص تفاوت بین جرأت و نفرت را به نوجوانان و جوانان خود بیاموزند. این دسته از والدین هم کاملاً پاسخگوی نیازهای فرزندان خود هستند و هم از آنان توقع دارند که رفتار درستی داشته باشند. این والدین به فرزندان خود احترام می‌گذارند، آنان را در امور مربوط به خانواده و تصمیم‌گیری‌های آن شریک می‌سازند و تشویقشان می‌کنند تا هم استقلال و هم مسئولیت‌پذیری متناسب باسن خود را به دست می‌آورند (احدی و جمهری، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش نشان دهنده ارتباط مثبت بین سبک والدگری استبدادی در مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی است. نتایج این پژوهش با مطالعات انجام شده در ادبیات پژوهشی همسو است. در همین راستا، عباسی، عسگری و مهرابی (۱۳۹۴)، نصیری و محمدزاده (۱۳۹۳)، جیا، وانگ، شی و لی (۲۰۱۶)، گائو، ژانگ، فانگ (۲۰۱۵) و لی، بیوگارد و باکس (۲۰۰۵) به نتایج مشابهی دست یافتند. در تبیین این رابطه می‌توان اظهار داشت کودکان در محیط خانواده‌هایی با والدگری استبدادی با محدودیت‌های شدید مواجه هستند. آن‌ها موظف‌اند که از مقررات خاص والدین پیروی کنند. والدین نیز، از فرزندان خود خواستار اطاعت بی‌چون‌وچرا هستند و به‌ندرت علت خواسته‌های خود را توضیح می‌دهند. آن‌ها بیشتر از زور استفاده کرده و برای وادار کردن فرزندان خود به اطاعت گاهی به تنبیه‌های شدید بدنی نیز متوسل می‌شوند. طبیعی است در چنین خانواده‌هایی، تخلف از مقررات، مجازات سنگینی به دنبال دارد. (احدی و جمهری، ۱۳۸۷) آن دسته از فرزندان که تحت کنترل و تسلط والدین مستبد بزرگ می‌شوند، به خصوص اگر این والدین رفتارشان همیشه فاقد محبت و علاقه‌مندی باشد، به طغیان و سرکشی‌های جدی و اختلالات عاطفی و حتی در موارد شدیدتر به ارتکاب جرم نیز دچار می‌شوند (احدی و جمهری، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش حاضر نشان داد ارتباط منفی معناداری بین والدگری سهل‌انگارانه مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی وجود دارد. در پیشینه پژوهشی، نصیری و محمدزاده (۱۳۹۳)، جاودان (۱۳۹۳)، جیا، وانگ، شی و لی (۲۰۱۶) و گائو، ژانگ، فانگ (۲۰۱۵) به نتایج مشابهی دست یافتند. با توجه به این تغییرات و رشد فرزند سالاری در جوامع امروزی، اغلب والدین شیوه والدگری آسان‌گیرانه‌ای را برای تربیت فرزندان خود اتخاذ می‌کنند. در این شیوه، والدین از فرزندان خود انتظار چندانی ندارند و کودکان در میان احساسات و رفتارهای تکانشی خود آزادی عمل دارند. چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود، به‌ندرت از تنبیه یا زور استفاده می‌کنند. اگرچه باوریند معتقد بود فرزندان والدین سهل‌گیر، به ویژه پسران، پرخاشجو، بی‌هدف، تکانشی، خودمحور و عصیان‌گر بوده و از استقلال و خویش‌داری کمتری برخوردارند (احدی و جمهری، ۱۳۸۷)؛ با این حال، نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های انجام شده در پیشینه تجربی نشان داد غلبه این سبک والدگری در مادران با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی ارتباط منفی دارد. نباید از نظر دور داشت که

در پژوهش حاضر صرفاً ارتباط دوسویه و متقابل این متغیرها بررسی شده است و نقش سایر متغیرهای میانجی و همپراش که می‌توانست این ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد، نادیده انگاشته شده است. در نتیجه، مطالعات آینده با در نظر گرفتن نقش متغیرهای میانجی می‌توانند به راستی آزمایی این یافته کمک کنند.

#### ۵- نتیجه گیری

با توجه به نتایج این پژوهش، استفاده والدین از شیوه والدگری مقتدرانه می‌تواند در این زمینه سودمند باشد و کاهش پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی را به همراه داشته باشد؛ اگرچه ممکن است برخی از والدین از مهارت‌های کافی برای والدگری برخوردار نباشند، اما شرکت در کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های والدگری می‌تواند به اصلاح نواقص والدین در این زمینه کمک کند. اهمیت این پیشگیری از پرخاشگری در این است که تداوم این مشکل در کودکان می‌تواند در آینده به اختلال سلوک و اختلال شخصیت ضد اجتماعی منجر شود، لذا توجه به عوامل بازدارنده آن از جمله والدگری مقتدرانه می‌تواند سلامت روانی کودکان را به همراه داشته باشد.

#### ۶- پیشنهادات

با توجه به اینکه نتایج این پژوهش نشان داد سبک دلبستگی مادر در پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی مؤثر است، پیشنهاد می‌شود از مداخلات روان‌شناختی موثر استفاده شود. دو رویکرد رایج برای درمان خانواده‌های مبتلا به مشکلات دلبستگی وجود دارد. رویکرد نخست درمان روانی - آموزشی (آموزش روانی) متمرکز بر افزایش دانش والدین در مورد تحول کودک، مراقبت از خود و همچنین، ایجاد رابطه است. رویکرد دوم، روان - درمانگری والد و کودک با هدف غلبه بر مدل‌های درون‌کاری منفی در کودکان است. با استناد به نتایج این پژوهش، استفاده از این رویکردهای درمانی می‌تواند کاهش پرخاشگری را در کودکان به همراه داشته باشد. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش مربوط به روایی بیرونی است؛ چراکه جامعه آماری این پژوهش گروه خاصی از مادران و کودکان پیش‌دبستانی شهر ساری بودند؛ لذا امکان تعمیم نتایج به کل جامعه با محدودیت روبرو است. روش پژوهش حاضر توصیفی - مقطعی و از نوع همبستگی بود که خود یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر است زیرا به اندازه‌ی پژوهش‌های آزمایشی دارای اعتبار و قطعیت نیست و قدرت تعمیم‌یافته‌های پژوهش را کاهش می‌دهد. محدودیت دیگر این پژوهش، سنجش پرخاشگری کودکان با واسطه و از طریق گزارش دهی مادران انجام شده است.

#### ۷- منابع

- احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد. (۱۳۸۷). روانشناسی رشد: نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری. تهران: انتشارات پردیس.
- جاودان، موسی. (۱۳۹۳). رابطه خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی با پرخاشگری نوجوانان پسر. مجله شخصیت و تفاوت‌های فردی، دوره ۳، شماره ۵، ۱۴۲-۱۲۵.
- عباسی، سمیرا؛ عسگری، زهره؛ مهربانی، طیبیه. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک‌های والدگری زنان شاغل در مراکز درمانی با اضطراب، گوشه‌گیری و پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی. مجله پژوهش در پرستاری، ۱۱ (۲): ۷۱-۶۳.
- علم‌الهدی، جمیله؛ میری، مهنوش. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک‌های فرزندپروری در خانواده‌های شهرستان اندیمشک. مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۴ (۶): ۵-۲۵.
- نصیری، بهاره؛ محمدزاده، زینب. (۱۳۹۳). رابطه شیوه‌های والدگری با پرخاشگری و اضطراب کودکان پیش‌دبستانی شهر فردیس کرج. مطالعات رسانه‌ای/ف دوره ۹، شماره ۲۷، ۳۶-۲۷.
- Aubry, A. V., Joseph Burnett, C., Goodwin, N. L., Li, L., Navarrete, J., Zhang, Y., ... & Russo, S. J. (2022). Sex differences in appetitive and reactive aggression. *Neuropsychopharmacology*, 47(10), 1746-1754.
- Ditzen, B., Schmidt, S., Strauss, B., Nater, U. M., Ehlert, U., & Heinrichs, M. (2008). Adult attachment and social support interact to reduce psychological but not cortisol responses to stress. *Journal of psychosomatic research*, 64(5), 479-486.
- Gallarín, M., & Alonso-Arbiol, I. (2021). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence: A predictive model. *Journal of adolescence*, 35(6), 1601-1610.
- Gao, Y., Zhang, W., & Fung, A. L. C. (2015). The associations between parenting styles and proactive and reactive aggression in Hong Kong children and adolescents. *International journal of psychology*, 50(6), 463-471.

- Garcia, O. F., Fuentes, M. C., Gracia, E., Serra, E., & Garcia, F. (2020). Parenting warmth and strictness across three generations: Parenting styles and psychosocial adjustment. *International Journal of environmental research and public health*, 17(20), 7487.
- Guthman, E. M., & Falkner, A. L. (2022). Neural mechanisms of persistent aggression. *Current opinion in neurobiology*, 73, 102526.
- Jia, S., Wang, L., Shi, Y., & Li, P. (2016). Family risk factors associated with aggressive behavior in Chinese preschool children. *Journal of Pediatric Nursing*, 31(6), e367-e374.
- Jones, J. D., & Cassidy, J. (2014). Parental attachment style: Examination of links with parent secure base provision and adolescent secure base use. *Attachment & human development*, 16(5), 437-461.
- Khan, U., Khan, S., Rizwan, A., Atteia, G., Jamjoom, M. M., & Samee, N. A. (2022). Aggression Detection in Social Media from Textual Data Using Deep Learning Models. *Applied Sciences*, 12(10), 5083.
- Lewis, R. J. (2022). Aggression, rank and power: why hens (and other animals) do not always peck according to their strength. *Philosophical Transactions of the Royal Society B*, 377(1845), 20200434.
- Masud, H., Ahmad, M. S., Cho, K. W., & Fakhr, Z. (2019). Parenting styles and aggression among young adolescents: a systematic review of literature. *Community mental health journal*, 55, 1015-1030.
- Perez-Gramaje, A. F., Garcia, O. F., Reyes, M., Serra, E., & Garcia, F. (2020). Parenting styles and aggressive adolescents: relationships with self-esteem and personal maladjustment. *The European journal of psychology applied to legal context*.
- van Gelder, J. L., De Vries, R. E., Van Sintemaartensdijk, I., & Donker, T. (2022). Personality pathways to aggression: Testing a trait-state model using immersive technology. *Criminology*, 60(3), 406-428.
- Verhoef, R. E., Alsem, S. C., Verhulp, E. E., & De Castro, B. O. (2019). Hostile intent attribution and aggressive behavior in children revisited: A meta-analysis. *Child development*, 90(5), e525-e547.



## The relationship between attachment patterns and parenting styles of mothers with preschool children's aggression

Elham Farhangi<sup>1\*</sup>, Marziyeh Manidari<sup>2</sup>, Mehri Elyasi<sup>3</sup>

1. MA in Family Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author: elhamfarhangi7@gmail.com)

2. MA in School Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (marziyemanidari631@gmail.com)

3. MA in School Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (mehrielyasi73@gmail.com)

### Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between attachment patterns and parenting styles of mothers and aggression of preschool children. The design of the present research was a correlational description. The statistical population of the present study included all 6-year-old children of Damghan city and their mothers in 2022. 117 people were selected by cluster random sampling method. The data collection tools in the present study included the Attachment Patterns Scale (Collins and Reed, 1996), the Parenting Styles Questionnaire (Bamrind, 1967) and the Aggression Subscale of the Child Behavior Inventory (Achenbach, 2001). Then, the data were analyzed by SPSS.v21 software and statistical tests of Pearson's correlation coefficient and stepwise regression. Based on the findings of the research, there is a significant relationship between attachment patterns and parenting styles with preschool children's aggression. Also, the results of step-by-step regression analysis showed that the variables of attachment patterns and parenting styles predict changes in preschool children's aggression. According to the research findings, attachment patterns and parenting styles of mothers play an important role in the aggression of preschool children. Therefore, by designing psychological interventions based on these variables, aggression in preschool children can be improved. The theoretical and practical implications of the results presented in the current research have been discussed.

**Keywords:** aggression, attachment patterns, parenting styles, mothers, preschool children.